

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی آسیب شناسانه به تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی

مقدمه:

با گذشت ۳۰ سال از حیات طیبه انقلاب اسلامی ایران، نگاهی آسیب شناسانه به آنچه که تحت عنوان «دستاوردهای انقلاب اسلامی» به رشته تقریر درآمده است نشان می دهد حداقل چهار آسیب کلی در این خصوص وجود دارد:

الف) ضعف مفرط در بیان دستاوردها؛

ب) فقدان ملاک ها و معیارهای سنجش دستاوردها؛

ج) عدم وحدت رویه در گونه شناسی دستاوردها؛

د) اختلاف بر سر تبیین مصادیق؛

مقصود از این نوشتار طلب یاری و همکاری هادیان و نخبگان کشور جهت انعکاس شایسته برکات انقلاب اسلامی و آسیب شناسی عملکرد گذشته در این خصوص می باشد بدان امید که موثر واقع گردد.

بیان مسئله:

سوالات فراوانی پیرامون نحوه انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی قابل طرح

می باشند:

تأثیرات انقلاب اسلامی در بعد داخلی و خارجی چیست؟

مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران کدامند؟

آیا نظام اسلامی در تحقق آرمانهای انقلاب موفق بوده است؟

علل عدم توجه نخبگان جامعه به دستاوردهای انقلاب اسلامی چیست؟

آثار موجود در خصوص دستاوردهای انقلاب اسلامی تا چه اندازه در پاسخ به

نیازهای موجود پاسخگو است؟

اینها سوالات مهمی پیرامون آثار، تاثیر و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است

که کمتر به آنها پاسخ داده شده است اما سوال اساسی تری در این خصوص وجود

دارد که تا حدود زیادی به ریشه های عدم پاسخگویی به سوالات فوق می پردازد و

آن به «تأثیر تبیین دستاوردهای انقلاب در تداوم انقلاب اسلامی» باز می گردد.

بدون تردید بیان صحیح و واقعی دستاوردها و آثار انقلاب مردم مسلمان ایران

تأثیر مستقیمی بر استمرار آن دارد لکن مقصود از طرح این سوال گوشزد ساختن

کوتاهی و فقر منابع پیرامون این موضوع مهم می باشد که خود از جمله مهمترین

ضعف ها و آسیب های موجود در این زمینه و در اولویت موارد مورد اشاره این

بحث می باشد.

الف) کوتاهی و ضعف در بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی

با مروری مختصر در منابع مکتوب پیرامون آثار و تاثیر انقلاب اسلامی کمبود محسوس مآخذ و نقصان در منابع موجود کاملاً مشهود است. اگرچه می توان در یک حکم کلی تر عدم توجه کافی و لازم به موضوع انقلاب اسلامی را طرح کرد لکن حتی در مقایسه با بررسی علل و ریشه های انقلاب اسلامی که مورد توجه نویسندگان داخلی و خارجی واقع گردیده و اغلب آنها در مجموعه ای مختصر و مفید تحت عنوان « بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی » گردآوری شده است [1] ، در خصوص تاثیر، پیامدها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، تالیفات بسیار اندک و ناقصی در داخل و خارج کشور مشاهده می گردد.

عدم پرداختن به تاثیرات انقلاب اسلامی ایران از سوی نویسندگان غربی، علل واضحی دارد که از جمله آنها انکار این آثار، سعی در کوچک نمایی آن و نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی می باشد. چنانچه اصرار آنها در واکاوی ریشه های انقلاب ملت ایران به منظور جلوگیری از بسط آن صورت گرفته است. [2] اما بی توجهی نخبگان داخلی به این مهم ، محتاج کنکاشی آسیب شناسانه می باشد که در این مجال به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد.

۱- ضعف تئوریک و نظریه پردازی

یکی از آفات قابل ملاحظه پیرامون مطالعه آثار و ره آوردهای انقلاب اسلامی پراکندگی نظری بر سر مفاهیم و مبانی است. تشتت در تعاریف واژه ها و تعدد و تکثر آنها در قالب تعابیری نظیر؛ دستاوردها، ره آوردها، آثار، پیامدها، برکات،

کارنامه، عملکرد، آرمان و به وضوح نمایان است و اختلاف در برداشت ها و اطلاق واژه ها بر دامنه این عدم تفاهم می افزاید.

برخی عنوان «دستاورد» را صرفاً در خصوص آرمان های تحقق یافته بکار گرفته و بعضی دیگر قائل به تفکیک سطح آرمان ها با دستاوردها در این زمینه هستند.

برخی دستاورد را به آن بخش از آرمان ها که محقق شده اند، اطلاق می کنند و بعضی دیگر این دو را از دو جنس متفاوت می دانند. از نگاهی دیگر، آثار انقلاب اسلامی در سه سطح مجزا مورد بررسی قرار می گیرد: در سطح نخست آرمان ها قرار دارند که بخشی از آنها محقق شده و تحقق بخش دیگر همچنان در دستور کار نظام اسلامی قرار دارد. سطح دوم به دستاوردهایی اختصاص یافته که متوجه سیاست های کلان انقلاب اسلامی می باشد. در سطح سوم برنامه های اجرایی قرار دارند که به عملکرد و کارکردهای عمرانی و خدماتی نظام می پردازد.

وجود چنین اختلافاتی در برداشت ها سبب گردیده تا در پاره ای از نوشتارها پیرامون دستاوردها، صرفاً به ارائه کارنامه اجرایی دولت ها پرداخته شود و یا بالعکس برخی در بیان آثار انقلاب اسلامی تنها به حوزه نظری یا صرف عرصه سیاسی و سیاست خارجی بسنده گردد.

از این رو، نه تنها وجه تمایزی میان دستاوردهای انقلاب و نظام با دولت ها وجود ندارد، تفاوتی میان دستاوردهای اقتصادی با نتایج فعالیت های اقتصادی نیز دیده نمی شود. این در حالیست که عملکرد دولت در حوزه ایی نظیر؛ گسترش خطوط ارتباطی و افزایش تعداد تلفن های همراه از هفت میلیون به چهل و هفت میلیون در

سه سال گذشته ، محصول دستاورد خودباوری، خود اتکایی در زمینه فن آوری و اقتصادی می باشد که در پرتو استقلال و عدم وابستگی انقلاب اسلامی به قدرت های بزرگ شکل گرفته است.

۲- عدم تفاهم نخبگان با گرایشات سیاسی

برخلاف آفت نخست که ناشی از غفلت عمومی می باشد آسیب جدی دیگری که در این باب مشاهده می گردد ریشه در اختلاف نظر نخبگان و خواص کشور دارد. گرایشات جناحی ، مناقشات سیاسی، نفوذ اندیشه های سکولاریستی و استحاله عناصر منفعل خودی، چهار عامل اساسی در این خصوص که منجر به عدم باورمندی بخشی از این قشر و تغافل و نسیان عده ای دیگر نسبت به بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی گردیده است.

افراط در این روند سبب گردیده تا برخی علاوه بر غفلت و تغافل ، به انکار دستاوردها پرداخته و به بهانه «عدم تمایل به دفاع از عملکردها» از ضرورت دفاع از اصل انقلاب و آثار آن بازمانده اند و در این میان، قلم های مغرض با فرصت طلبی از شرایط، نظام اسلامی را به واپسگرایی متهم ساخته اند.

۳- دفاع بخشی و بخشی نگری

آسیب دیگری که در انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی مشهود است دفاع بخشی ، برخی از نویسندگان، نخبگان، مسئولان و دولت ها از گوشه ای از دستاوردها یا عملکردها می باشد. اگرچه ارائه کارنامه و بیان کار توسط هر دولت یا دستگاه اجرایی امری پسندیده و لازم به نظر می رسد لکن این امر در چارچوب

دستاوردهای کلی نظام امری پذیرفتنی تر و موثرتر قلمداد می شود. بخشی نگری در این راه نه تنها مخاطبان و افکار عمومی بویژه نسل جوان را در جریان نتیجه مطلوب و مورد نظر نظام قرار نمی دهد بلکه آن را در راستای ترجیح جناحی بر جناح دیگر، دولتی بر دولت دیگر، فردی بر فرد دیگر قلمداد کرده و ناگزیر به انکار بخشی دیگر رهنمون می سازد. دفاع بخشی نگر به جای دفاع از کلیت انقلاب و نظام اسلامی، به دفاع از عملکرد و کارکردهای خویش پرداخته و از بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی باز می ماند.

بویژه آنکه در این مسیر، مدافعین بخشی نگر به منظور نشان دادن میزان موفقیت خویش به مقایسه و حتی تضعیف بخشی دیگر می پردازند. این آسیب در جابجایی دولت ها به شکل پر رنگ تر نمایان می گردد و تقریباً به صورت یک رویه در همه دولت ها مشاهده شده است. آنچه در این مسیر مورد پذیرش افکار عمومی قرار می گیرد انتقاد نسبت به سوء مدیریت ها و بیان آسیب ها و ضعف ها جهت شناسایی و تلاش جهت رفع آنهاست لکن آنچه غفلت نسبت بدان آسیب جدی تری متوجه نظام و انقلاب می سازد، زیر سوال بردن دستاوردها، موفقیت ها و مسیر پیشرفت و تعالی کشور است. لذا بیان موفقیت ها و دفاع از عملکردهای هر دولت یا دستگاه و نهاد وابسته به نظام به نحوی که برکات انقلاب و زحمات رهبران آن را گوشزد نماید، معقول و پسندیده به حساب می آید و عکس آن بالعکس.

ب) فقدان ملاک ها و معیارهای سنجش

عدم وجود معیار و ملاک مشخص و مورد توافق همگانی در سنجش میزان موفقیت نظام اسلامی در تحقق اهداف و آرمانهایش، یکی دیگر از عوامل مهم فقدان منابع لازم و کافی در ارزیابی آثار و نتایج انقلاب اسلامی می باشد.

به عبارت دیگر برای پاسخ به پرسش «میزان موفقیت ها و دستاوردهای نظام و اینکه اساساً نظام اسلامی چه نتایجی دارد؟» یک مسئله دیگر قابل طرح می باشد که به ملاک و معیار این ارزیابی باز می گردد، یعنی مبنای قضاوت در توفیق یا عدم موفقیت آن چیست؟ مهمترین ملاک ها و معیارهایی که به منظور ارزیابی نتایج انقلاب اسلامی طرح شده اند، عبارتند از [3]

۱- محک آرمان ها و اهداف

اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی معیار مناسبی جهت سنجش میزان موفقیت نتایج آن می باشد لکن در این خصوص نیز مسائلی قابل طرح می باشد که انجام این ارزیابی را با مشکلاتی مواجه می سازد:

مبنای تعریف آرمان های انقلاب اسلامی چیست؟ آرمان هایی که بنیانگذار جمهوری اسلامی ترسیم فرموده اند یا اهدافی که در اصل دوم قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است؟ [4]

مسئله دوم بلندی آرمان های انقلاب اسلامی است. در این خصوص پرسشی وجود دارد که آیا شایسته یک انقلاب بزرگ انتخاب آرمان های کوچک است که

پس از مدتی انتظار تحقق همه آنها وجود داشته باشد یا بالعکس آرمان ها باید چنان بلند و والا ترسیم شوند که نظام اسلامی همواره در جهت تحقق آنها بکوشد؟

قضاوت در سنجیدن میزان موفقیت نظام در مقایسه با هر یک از آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی نیز کار چندان ساده ای نیست و اظهار نظرهای شخصی همچنان محل مناقشه و اختلاف خواهد بود. آیا به این منظور مرجع کارشناس و دارای صلاحیت پیش بینی شده است تا بتوان به قضاوت آن استناد کرد؟

۲- محک امکانات دولت و کشور

در پاسخ به ادعای بلند بودن آرمان های انقلاب اسلامی، معیار امکانات دولت و کشور، محک مناسبی است تا با در نظر گرفتن آنها بتوان میزان دستاوردها را ارزیابی نمود. با این وجود، قضاوت در پرتو این ابزار نیز کار چندان ساده ای نیست. یکی از دلایل این امر وسیع بودن دایره امکانات در کشورها می باشد. امکانات اولاً خود به دو بخش مادی و معنوی قابل تقسیم می باشد که در طرح این محک منظور مشخص نشده است کدامیک از جنبه های آن مد نظر می باشد و اگر هر دو آنها یک معیار محسوب شوند به وسعت دایره امکانات افزوده و امر قضاوت را با مشکل مواجه می سازد، چرا که در دایره امکانات معنوی مقوله هایی چون روحیه، انگیزه و اراده، علم، فرصت و ... قرار دارد که عدم وجود هر یک از آنها می تواند توجیه کننده عدم موفقیت ها باشد ضمن آنکه صرف وجود آنها هم بدون امکانات مادی، منتج به نتیجه نمی گردد. و این در حالیست که در شعاع دایره امکانات مادی نیز مسائل بسیار متعددی اعم از نیروی انسانی، منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی و ... قرار می گیرند که هر کدام از آنها می تواند به عنوان نقصی در راه تحقق هدف منظور

گردد. ضمن آنکه برای رسیدن به قضاوت صحیح در سنجش دستاوردها لازم است در کنار امکانات و توانمندی های موجود به نارسائیه‌ها، آسیب ها و کارشکنی ها توجه شود. بحران ها ، تهدیدات خارجی، تحریم ها ، توطئه ها ، آشوب ها ، بلایای طبیعی، مافیای، مناقشات سیاسی، فساد اداری، باند بازی، رانت خواری و عدم هماهنگی و همکاری ها را باید در نظر داشت.

۳- محک کشورهای پیشرفته

یکی دیگر از ملاک های ارائه شده جهت سنجش دستاوردهای انقلاب اسلامی ، مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان بویژه با کشورهایی مثل فرانسه ، روسیه و ... که تجربه انقلابات بزرگی را با خود دارند، می باشد. اگرچه این معیار از آن جهت که باب توسعه و پیشرفت کشور را باز نموده و می تواند به عنوان مشوقی در این راستا به کار آید لکن قضاوت در این خصوص نباید بدون ملاحظه پیشینه هر دو کشور ، امکانات و تعداد سنوات پس از انقلاب های انجام شده صورت گیرد.

چگونه کشورهایی که با استعمار جهان سوم صاحب سرمایه، تکنولوژی و قدرت شده اند با کشوری استعمارزده که همه امکانات مادی و معنوی و نیروی انسانی آن به یغما رفته قابل مقایسه است؟ چگونه می توان کشوری که ۲۰۰ سال از انقلاب آن می گذرد را با کشوری که سه دهه از عمر آن می گذرد مقایسه کرد؟ آیا رنسانس علمی، تلاش های علمی و سرقت سرمایه های علمی و انسانی، اندیشه های مادی گرایانه صرف و .. را می توان نادیده انگاشت؟ آیا نمی توان به نقش غرب و کشورهای توسعه یافته در عقب ماندگی کشورهای جهان سومی و توسعه نیافته اشاره کرد و آنها را به عنوان عامل اساسی وضعیت کنونی معرفی نمود؟ نتیجتاً اینکه

چگونه می توان دستاوردهای انقلاب اسلامی که اساساً علیه استعمار و استکبار جهانی صورت گرفته را با وضعیت کشورهایی که این انقلاب علیه آنها صورت نگرفته مقایسه کرد در حالیکه آنها از هیچ کوششی جهت عقب نگه داشتن و عدم موفقیت آن دریغ نکرده اند؟

کشورهای غربی و توسعه یافته که در فلسفه مادیگرایانه خود اصالت را به سود و سرمایه داده و انسان را محور هستی قرار داده اند نمی توانند محک متقنی برای بررسی نتایج نظام معنویت گرای خدا محور باشند .

۴- محک کشورهای همپراز

با توجه به موقعیت جغرافیایی کشور ایران در منطقه خاورمیانه، یکی از معیارهای ارزیابی برای دستاوردهای انقلاب اسلامی ، مقایسه آن با کشورهای همسایه و همپراز می باشد. اما کدام کشور به شکل واقعی همپراز با جمهوری اسلامی ایران است؟ مهمترین سوالی می باشد که در این ارتباط باید پاسخ داده شود.

آیا عراق همسایه غربی که بدستور آمریکا و حمایت غرب هشت سال برای متوقف ساختن انقلاب اسلامی تمام توان اقتصادی و سیاسی این کشور بکار گرفته شد ، گزینه مناسبی برای مقایسه می باشد، یا ترکیه و پاکستان و مصر که بدلیل وابستگی و حمایت شدید آمریکا از آنها نه پیشرفت محسوسی داشته اند و نه درگیر انقلاب و جنگی بوده اند که بتوانند عدم توسعه خود را توجیه کنند. لذا اگرچه در نتیجه مقایسه وضعیت کنونی جمهوری اسلامی با این کشورها، دستاوردهای بسیار فراوانی از انقلاب اسلامی آشکار می گردد لکن این قیاس نیز از لحاظ وزن درست

نمی باشد زیرا عنصر اساسی متمایز کننده و در واقع بزرگترین دستاورد این انقلاب استقلال ایران و فقدان استقلال در آن کشورها می باشد و نفس همین امتیاز می تواند هم سطحی و همطرازی مفروض را بر هم بزند.

طبیعی است کشورهای عربی و شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس، کویت و عربستان هم عناصر موازنه جهت این قیاس را ندارند و نمی توانند به دلیل وابستگی، جمعیت کم، منابع نفتی فراوان و نتیجتاً درآمد سرانه بالا محک مناسبی برای سنجش نتایج انقلاب اسلامی باشند. همچنین کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و منطقه قفقاز و افغانستان نیز به جهت موقعیت و وضعیت موجود فاقد شرایط و سنخیت لازم برای این مقایسه می باشند.

۵- محک دوران پیش از انقلاب اسلامی

مقایسه وضعیت فعلی کشور با دوره قبل از وقوع انقلاب اسلامی یکی از مرسوم ترین شیوه هایی است که در بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی بکار گرفته می شود و از مقبولیت بیشتری در بین عوام و خواص برخوردار می باشد. با این وجود، از منظر آسیب شناسی این معیار نیز با اشکالات و مشکلات متعددی روبروست.

۵/۱- بخش عظیمی از مخاطبان فعلی این دستاوردها، به علت جوان بودن جمعیت کشور، شناختی از شرایط پیش از انقلاب اسلامی ندارند. لذا ترسیم اوضاع آن دوره از تبیین وضعیت فعلی بسی مشکل تر به نظر می رسد.

۵/۲- در مقایسه شرایط فعلی با دوره پیشین عمدتاً ملاک های اقتصادی مد نظر قرار می گیرد که با عنایت به مشکلات معیشتی مردم و عدم امکان طرح مباحث

کارشناسی و علل آن موضوع تورم و گرانی ها مورد سوء استفاده مغرضان قرار می گیرد.

۵/۳- دامنه زمانی دوره مورد مقایسه نیز معمولاً در نظر گرفته نمی شود و قضاوت ها بطور کلی همه دوران سلطنتی و سوابق آن در ۲۵۰۰ سال گذشته با یک مقطع کوتاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی قیاس می گردد.

۵/۴- مقایسه دو دوره با ملاک اقتصادی قیاسی مع الفارق است چرا که در آن دوره دولت دست نشانده مورد حمایت غرب بوده و میزان فروش نفت نیز با در نظر گرفتن جمعیت کمتر از ۳۰ میلیونی آن دوره، چندین برابر پس از انقلاب اسلامی بوده در حالیکه قیام ملت ایران علیه دولت دست نشانده و اربابان آن صورت گرفته و همه مدت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران مورد تحریم های شدید اقتصادی غرب و آمریکا قرار داشته است.

۵/۵- بسیاری از مشکلات پس از وقوع انقلاب اسلامی ریشه در نابسامانیها و وابسته کردن اقتصاد کشور به غرب و تک محصولی کردن نظام اقتصادی و تخریب بنیان ها و زیر ساخت های اقتصادی از جمله صنعت و کشاورزی دارد.

لذا قضاوت منصفانه در این خصوص تنها در زمانی صورت خواهد گرفت که تمامی جوانب، جهات کلی، عوامل نابسامانیها، موانع تراشی غرب در مسیر رشد کشور و ... مورد محاسبه قرار گیرد. گرچه با همه این ملاحظات ، امروزه اوضاع کشور در کلیه ابعاد از جمله شرایط اقتصادی کشور با دوره گذشته قابل مقایسه نبوده و دستاوردهای فراوانی مشاهده می گردد.

ج) عدم وحدت رویه در گونه شناسی دستاوردها

آسیب دیگری که در تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی کاملاً مشهود است فقدان تفاهم در دسته بندی و طبقه بندی انواع دستاوردها می باشد. در قالب تالیفات صورت گرفته دستاوردهای انقلاب اسلامی بر دو بعد خارجی و داخلی تقسیم شده که عمدتاً بر آثار و نتایج آن در خارج از مرزها تاکید شده است. مع الاسف در بیشتر مطالب منتشره در این خصوص بر کلیات و موارد تکراری و یکنواخت اکتفا شده و کمتر به مطالعات میدانی پرداخته شده است. البته در این میان تلاش های درخور توجهی نیز صورت گرفته که از جمله آن می توان به کتاب تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی اشاره کرد [5].

دسته بندی مرسوم دیگری که در این زمینه وجود دارد بر اساس موضوع و حوزه تاثیر انقلاب اسلامی می باشد که عمدتاً به موارد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، دفاعی و علمی اختصاص یافته است. در بعضی نوشته ها دستاوردها به موارد جزئی تری تقسیم شده و به حوزه های دین، مسلمانان، قضایی، قانونگذاری، اخلاق، تعلیم و تربیت، دانشگاهها و نظامی نیز اشاره شده است [6].

ترجیح مباحث ذهنی بر دستاوردهای عینی یا تاکید بیش از حد بر مسائل اقتصادی از دیگر آفات موجود در این خصوص است. بویژه آنکه عمده دستاوردهای موجود به نوعی کارنامه ای از عملکرد بخش خدماتی و عمرانی است اما مواردی نیز وجود دارد که تحت عنوان خدمات انقلاب اسلامی به بیان دستاوردها پرداخته است [7].

د) اختلاف بر سر تطبیق مصادیق

عدم اتفاق نظر و تفاهم در اطلاق عناوین به دستاوردهای گوناگون انقلاب اسلامی یا عملکرد دولت‌ها از اشکالات قابل طرح دیگری است که به عنوان یک واقعیت در آثار مکتوب و دسته‌بندی‌های شفاهی مشاهده می‌گردد:

بر همین منوال است که در ذیل عنوان «دستاوردهای سیاسی» برخی از منابع در بخش داخلی به موارد: «- استقلال سیاسی و رهایی از وابستگی به غرب،

- سرنگون کردن رژیم مستبد و ستمگر پهلوی،

- از بین رفتن ساواک و ایجاد حکومت اسلامی،

- برخوردار شدن از قانون اساسی اسلامی، مردمی، مترقی و قوی»

اشاره کرده و به دستاوردهای خارجی تحت عنوان «حوزه سیاست» مواردی چون؛

« ۱- تحقیر استکبار جهانی، بویژه آمریکا و شکست ابهت پوشالی آنها، ۲- صدور انقلاب و جهانی شدن آن ، ۳- طرح پیام و راه جدید و شکستن نظام دو قطبی، ۴- قدرت و عزت یافتن ایران در جهان و منطقه ، ۵- رهایی ایران از ذلت ژاندارمی آمریکا در منطقه، ۶- افشای چهره ی واقعی کشورهای غربی و آمریکا، ۷- افشای چهره ی واقعی کشورهای مدعی حکومت اسلامی» (۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی ایران، صفحات ۴۱ تا ۷۰) را برشمرده است .

این در حال است که منبعی دیگر دستاوردهای سیاسی را به موارد: « ۱- حکومت مردم سالاری دینی، ۲- استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، ۳- ولایت فقیه، ۴- تأسیس مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان منحصر دانسته است.»

(ربع قرن خدمات انقلاب اسلامی ایران، صفحات ۱۰ تا ۳۲)

در این منبع به دستاوردهای خارجی تحت عنوان «دستاوردهای بین المللی» با احصاء موارد زیر؛ « امید نهضت های رهایی بخش به انقلاب اسلامی - انتفاضه فلسطین و اتکا به انقلاب اسلامی - برخورد آمریکا و اروپا با انقلاب اسلامی ایران» به موارد کاملاً متمایزی اشاره کرده است. این وجه تمایز در اطلاق مصادیق هر حوزه از دستاوردها نیز مشهود است که از باب شاهد مثال همچنان به مقایسه دو منبع فوق می پردازیم:

در بعد اقتصادی، دستاوردهای احصاء شده در منبع نخست به مواردی نظیر؛ « صنعت برق، پتروشیمی، بهداشت و درمان، سد سازی، سیلو سازی، گاز رسانی، مخابرات و موارد کلی تری چون؛ حمایت از تولید داخلی، مقابله با فساد مالی، اقدامات اساسی، حمایت از اقشار محروم و مستضعف جامعه و پایه ریزی اقتصادی مبتنی بر قوانین اسلام اشاره شده که بخش عمده آنها عملکرد و کارنامه دولت هاست» (۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی، صفحات ۲۵۹ تا ۲۹۵) منبع دوم اما به عناوین کلی؛ « استقلال اقتصادی و خود کفایی - سازندگی پس از پایان جنگ - رونق بخش صنعت - جذب سرمایه های داخلی و خارجی - تاکید بر تولیدات کشاورزی و خود کفایی در این زمینه پرداخته و به جدول مقایسه ای شاخصه های کلان در سال

های ۶۸ و ۷۵ اشاره نموده است.» (ربع قرن خدمات انقلاب اسلامی، صفحات ۳۳ تا ۴۸)

نگاهی مقایسه ای به مصادیق دستاوردها در حوزه های مختلف، در سایر منابع و مآخذ موجود نشان می دهد که به جهت اختلاف در زوایای دید و فقدان رهیافت مشخص، وجوه افتراق و موارد اختلافی بسیار محسوس تر از موارد مشابه و توافقی است.

راهکار پیشنهادی

به منظور ایجاد وحدت رویه و نظم بخشی به همه فعالیت ها و اقداماتی که در راستای بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی صورت می گیرد راهکارهایی در ابعاد تئوریک و عرصه عمل وجود دارد. به نظر می رسد نخستین گام در جهت تبیین صحیح تر دستاوردها و عملکردهای انقلاب تفکیک سطوح میان انقلاب اسلامی با نظام اسلامی و هر دوی اینها با دولت های اسلامی است.

الف) انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در امتداد نهضت های الهی انبیاء، بت شکنی حضرت ابراهیم (ع)، قیام موسی علیه نمرود و نهضت جهانی پیامبر گرامی اسلام(ص)، حرکتی آسمانی بر خلاف انقلابات زمینی و بشری چون انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه و سایر مبارزات ملی و مردمی است که در قرن های اخیر شاهد آن بوده ایم.

از این رو، به این انقلاب باید به عنوان حرکتی نگریست که از سالهای آغازین دهه ۲۰ شروع و در دهه چهل با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ روند صعودی گرفته و نهایتاً در

بهمن ماه ۵۷ به پیروزی می رسد و آنچه در قالب نظام جمهوری اسلامی در پرتو آن شکل گرفته از جمله برکات مهم آن می باشد که استمرار آن در واقع امتداد انقلاب اسلامی را رقم می زند.

بر این اساس به منظور ارزیابی دستاوردهای انقلاب اسلامی می توان آن را به عنوان یک «جنبش نهضت اسلامی» در یک مقطع تاریخی بصورت مستقل و منفصل از پیامدها و آثار آن نگریست که دارای برکات و نتایج فراوان و مجزا از عوامل تداوم بخش می باشد.

از همین منظر، به نظر می رسد در جهت ارزیابی نتایج انقلاب اسلامی استفاده از واژه «برکات» به جای دستاوردها دارای مفهومی رساتر و دقیق تر است که غالباً متوجه پیامدهای مثبت آن در حوزه نظری می باشد. اما در خصوص احصاء آثار و نتایج انقلاب اسلامی در ابعاد عملی و عینی می توان از واژه «تاثیرات و نتایج» بهره گرفت.

بدین ترتیب در راستای ارزیابی تاثیرات عینی انقلاب اسلامی می توان از نتایج آن "بر" ابعاد فردی، اجتماعی، دولت ها، جنبش ها یا "در" حوزه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و .. و همچنین از نتایج انقلاب اسلامی "در" ابعاد داخلی، منطقه ای، جهان اسلام و بین المللی سخن گفت. ملاک و معیار سنجش میزان موفقیت های انقلاب اسلامی صرفاً «آرمان های انقلاب اسلامی» می باشد که از رهنمودها و فرامین بنیانگذار این انقلاب قابل احصاء و رصد می باشد.

نتایج و برکات انقلاب اسلامی

بر اساس آرمان های انقلاب اسلامی، دستاوردهای بسیار مهم و فراوانی بر این انقلاب مترتب می باشد که اهم آنها عبارتند از:

انقلاب و تحول؛ نفس دگرگونی در ساختار و قوانین کشور و تحول در روحیه مردم از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است؛

نظام مقدس جمهوری اسلامی که با آراء اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران شکل گرفت؛

قانون اساسی مترقی به عنوان منشور ملت اسلامی ایران که به جهت اتصال با قوانین الهی فوق همه قانون های دست ساخته بشری است؛

اصل ترقی ولایت فقیه که ضمانت بخش اسلامیت و جمهوریت نظام اسلامی و حلقه وصل آن با شارع مقدس است؛

رشد معنویت گرایی در جهان مادیگرا که امروزه آثار آن در جهان غرب مشهود است؛

احیاء و دفاع ارزشهای الهی و اسلامی که با دسیسه لیبرالیسم و کمونیزم روندی رو به زوال را طی می کرد؛

عدالت گستری و محرومیت زدایی که فلسفه تمامی حکومت های الهی است؛

توسعه کشور و توجه به منافع ملی که با اعتماد به نفس و اتکا به خویش تحقق یافته است.

استقلال سیاسی و رهایی از سلطه پذیری غرب که خود منشاء بسیاری از دستاوردهای بزرگ نظام اسلامی است.

احیای هویت اسلامی و ایرانی که با ذلت و تحقیر ایرانیان محکوم به نابودی بود؛ اثبات توانایی فقه اسلام در اداره جامعه و معرفی یک الگوی توانا در جهان معاصر؛

اثبات عدم جدایی دین از سیاست با عنایت به اقدامات غرب در جهت حذف اسلام سیاسی؛

مردم سالاری دینی به عنوان الگویی مناسب در نظامهای سیاسی موجود.

ب) نظام اسلامی

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خود یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران می باشد. از آنجا که انقلاب اسلامی با همه پیشینه طولانی که با خود دارد، از مقطع زمانی خاصی آغاز و در تاریخ دقیقی به پیروزی رسیده است با نظام اسلامی که آینده ای بسیار طولانی دارد و انشاءالله با قیام جهانی عدالت گستر موعود(عج) استمرار خواهد یافت، قابل تفکیک می باشد.

ملاک در ارزیابی موفقیت های نظام جمهوری اسلامی، «اهداف و سیاست های کلان نظام» می باشد که در قانون اساسی بویژه اصول دوم و سوم و سند چشم انداز ۲۰ ساله مورد اشاره قرار گرفته است.

مهمترین اهداف نظام اسلامی که در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته عبارتند از:

- محور هر گونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی
- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
- تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی
- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در تمامی زمینه ها
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی و فنی، فرهنگی و اسلامی
- تقویت کامل بنیه دفاعی
- پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر
- تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی
- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان .

به نظر می‌رسد در این سطح از واژه «دستاوردها» به جای «برکات و نتایج» می‌توان بهره‌گرفت که به تمامی حوزه‌هایی که سیاست‌های کلان نظام اختصاص دارد، قابل تقسیم می‌باشند.

از این رو، به منظور بررسی دستاوردهای نظام اسلامی می‌توان در یک گونه‌شناسی صائب و دقیق، حوزه‌های متمایز را تفکیک و سپس به احصاء دستاوردهای مهم در هر حوزه اشاره نمود.

ج) دولت‌های اسلامی

با تفکیک انقلاب و نظام اسلامی با دولت‌ها در جمهوری اسلامی که معمولاً دوره هشت ساله‌ای دارند، ارزیابی عملکرد و کارآمدی آنها به شکل صحیح‌تر و ساده‌تری صورت می‌پذیرد ضمن آنکه آسیب‌شناسی و بیان نقاط ضعف آنها نیز لطمه‌ای به اساس نظام و انقلاب وارد نمی‌سازد.

با این وجود در بررسی کارنامه دولت‌ها نیز تفکیک‌سازی میان سه حوزه امری ضروری است:

الف) حوزه‌گفتمان و شعارها

ب) حوزه سیاست‌ها و راهبردها

ج) حوزه اجراء و کارکردها

لزوم این جداسازی در کارنامه دولت‌ها از آن جهت کاملاً مبرهن و آشکار به نظر می‌رسد که امکان ظهور و دستیابی به دولتی که عاری از هر گونه انتقادی در

سیاست های کلان، برنامه ها، شیوه ها و رفتارها باشد، تا حدود زیادی غیر ممکن و غیر عملی به نظر می رسد. لذا آنچه بیش از هر چیز در ارزیابی کارنامه دولت ها باید مد نظر قرار گیرد ابتدا ادبیات و گفتمان حاکم بر شعارهای کلی آن می باشد که الزاماً نباید تنافری با شعارهای انقلاب اسلامی و امام راحل (ره) داشته باشد و در غیر اینصورت حتی اگر در سایر حوزه ها هم این چنین دولتی دارای کارنامه خوبی باشد از نظر مردم انقلابی و مسلمان ایران نمره قبولی دریافت نخواهد کرد.

در درجه بعدی، سیاست ها و راهبردهای دولت مورد توجه قرار می گیرد. در این مرحله نیز سیاست های کلان دولت ها نباید با سیاست های کلی نظام که در قالب برنامه چشم انداز ۲۰ ساله و برنامه های پنج ساله توسعه و فرامین رهبر معظم انقلاب اسلامی عنوان می گردد، مغایرت داشته باشد.

اما کارنامه دولت ها در عرصه خدماتی و اجرایی در درجه بعدی قرار می گیرد که به جهت آرمان های انقلاب اسلامی دارای اهمیت فراوانی می باشد و اساساً تامین رفاه و معیشت مردم در اولویت سیاست های نظام اسلامی است. با این وجود، دولت موفق از منظر ملت و رهبری ایران اسلامی دولتی است که در هر سه حوزه نمره قابل قبولی دریافت کند و اگر ضعف ها و کمبودها در بخش سوم (اجرایی) قابل اغماض و توجیه باشد اما اشکال در سیاست های کلی و مسیر حرکت دولت ها یا انحراف در شعارهای یک دولت غیر قابل گذشت و چشم پوشی می باشد.

دقیقاً عکس این موضوع نیز صادق است و اگر دولتی در حوزه رفتار و عملکرد قابل نقد دارای ضعف هایی باشد اما سیاست ها و شعارهای متناسب با اهداف انقلاب و جهت کلی نظام را دنبال نماید، می تواند امتیاز لازم را کسب کند.

نتیجه گیری

در بررسی علل نقاط ضعف و کاستی های موجود در تبیین دستاوردهای انقلاب و نظام و دولت های اسلامی، تفکیک میان هر یک از این سه مقوله کمک شایانی به بیان و دفاع از برکات انقلاب، دستاوردهای نظام و عملکرد دولت ها می نماید.

گاز رسانی، آب رسانی، برق رسانی، خدمات ارتباطی یا هر نوع اقدام و فعالیت دولت ها جهت توسعه و آبادانی کشور بویژه رسیدگی به مناطق محروم و اقشار کم درآمد جامعه از جمله عملکرد و کارکرد دولت هاست که نباید با آثار و نتایج انقلاب اسلامی و حتی دستاوردهای نظام اسلامی تداخل نماید.

از همین رو، در کلام امام راحل(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دستاوردهای انقلاب و نظام به موارد جزئی و اجرایی اشاره ای نشده است. آنچه که از لسان حضرت امام (ره) پیرامون دستاوردهای انقلاب اسلامی مستفاد می گردد عبارتند از:

- تحول در نهادهای سیاسی - اجتماعی (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۴۰)

- آزادی (مصاحبه امام با روزنامه ایتالیایی کوریره دل اسرا ۱۱ آبان ۵۷)

- گسترش مشارکت سیاسی (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۴)

- استقلال سیاسی (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۵)

- استقلال فرهنگی (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷۶)

- جایگزینی ارزش های اسلامی (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۸۸)

- ایجاد تحول روحی (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹۳)

- بیداری ملل مسلمان (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۲۱)

از نگاه مقام معظم رهبری نیز دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی شامل اموری کلی و ژرف و فراگیر است و حتی نقاط ضعف نظام اسلامی متوجه انقلاب اسلامی نیست. «مساله این نیست که جمهوری اسلامی آیا نقطه ضعف دارد یا ندارد البته که دارد، مساله این است که با وجود این نقطه ضعف ها، یک کاری انجام گرفته است و یک حادثه ای اتفاق افتاده است که این حادثه بزرگترین حادثه در طول تاریخ چند قرن اخیر در دنیای اسلام است، یعنی ایجاد حکومت اسلامی، حاکمیت احکام دینی، حاکمیت ارزشهای اسلام، بلند شدن پرچم قرآن، تشکیل جامعه بر اساس معارف اسلامی، این مهم است ... ایجاد یک چنین نظامی در دنیای مادی، با این همه دشمنی ها علیه اسلام، واقعاً معجزه است.» (راهبردهای ولایت (۳) ص ۵)

از منظر معظم له برکات و دستاوردهای انقلاب اسلامی عبارتند از:

- تحقق آرزوی تمامی مصلحان و مبارزان جهان اسلام (۷۸/۵/۲۵)

- احیای هویت اسلامی و معنوی در دنیای اسلام و جهان (همان)

- زمینه سازی برای تحقق کامل حاکمیت اسلام (۷۸/۳/۱۲)

- مقابله با استکبار جهانی (۷۸/۳/۱۰)

- احقاق حقوق مسلمانان و مستضعفان (۷۸/۶/۶)

- حرکت جهت دستیابی به سعادت و رستگاری (۷۸/۶/۲۴)

- رشد و کمال جامعه (۷۸/۱۱/۱۹)

- حرکت برای رفع رنجهای ملت ایران (همان)

- کسب جایگاه رفیع بین المللی (۷۸/۶/۷)

- قرار گرفتن دین و نقش سیاسی و اجتماعی آن در مرکز توجهات جهانیان

(۷۸/۶/۲۹)

- عزت ملت ایران در جهان (۸۷/۱/۱)

- روشن شدن افق آینده ملت ایران (۷۸/۳/۲۶)

- رویش نیروهای جوان مخلص و جان برکف (۷۸/۹/۲۶)

- یاس و ناامیدی تمامی مخالفان انقلاب اسلامی (۷۸/۱/۳۰)

- پایان استعمار و دولت های وابسته (۷۸/۷/۹)

- ممانعت از ترویج فساد اخلاقی و آسیب های فرهنگی (همان)

- خنثی کردن توطئه از بین بردن ایمان ملت ایران (۷۸/۹/۲۶)

- مقابله با جریان های منحرف و مخالف نهضت دینی (۷۸/۴/۷)

- ساقط کردن مرتجعترین رژیم های سلطنتی موروثی جهان (۷۸/۷/۹)

منابع:

- دهشیری، محمدرضا - درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره) -

مرکز اسناد انقلاب اسلامی - چاپ دوم - ۱۳۸۰.

- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه- راهبردهای
ولایت (۳)- چاپ اول- تهران ۱۳۷۹.

- موسسه فرهنگی قدر ولایت - ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی - تهران -
۱۳۸۲.

- حشمت زاده ، محمدباقر- آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران- کانون
اندیشه جوان- چاپ ششم - ۱۳۸۵.

- حشمت زاده، محمدباقر- تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی-
سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی- ۱۳۸۷.

- کدی ، نیکی- ترجمه حقیقت خواه- نتایج انقلاب ایران - انتشارات
ققنوس- ۱۳۸۳.

- معاونت سیاسی سازمان عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع- ربع قرن خدمات
انقلاب اسلامی

- ملکوتیان، مصطفی- باز خوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر
نظریه پردازی ها - سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی- چاپ
اول- ۱۳۸۷.

- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج- گذری بر
دستاوردهای انقلاب اسلامی و آسیب شناسی درونی آن، تهران- زمستان ۱۳۸۲.

- منصور، جهانگیر- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** - نشر دوران -
چاپ چهل و دوم - ۱۳۸۵.

[1] - ملکوتیان ، مصطفی ، بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه
پردازی ها ، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۷

[2] - نیکی کدی به توصیه دوستانش چند فصل به مجموعه قبلی خویش تحت
عنوان « ریشه های انقلاب اسلامی » افزوده است که به شکل مجزا با عنوان « آثار
انقلاب اسلامی » توسط انتشارات ققنوس ، ترجمه حقیقت خواه به چاپ رسیده
است.

[3] - حشمت زاده، محمداقبر، آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران، کانون اندیشه
جوان، چاپ ششم ۸۵

[4] - در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: جمهوری
اسلامی ، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا(لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در
برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح .

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تامین می کند. (جهانگیر منصور، ص ۲۸)

[5] - حشمت زاده، محمدباقر، تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی.

[6] - ۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی قدر ولایت، معاونت فرهنگی

ستاد مشترک سپاه، چاپ دوم، زمستان ۸۲.

[7] - ربع قرن خدمات انقلاب اسلامی، نشریه معاونت عقیدتی - سیاسی وزارت

دفاع .